

شاهی نژاد

معنی ابیات فارسی هفتم (اول متوسطه‌ی اول)

معنی ابیات درس ششم

ص ۶۰ - علم زندگانی

- ۱) جوجه‌ی کبوتری که اشتیاق و علاقه‌ی زیادی به پروازکردن داشت، روزی با شجاعت پر و بالش را باز کرد و آماده‌ی پرواز شد.
- ۲) جوجه‌ی کبوتر شروع به پریدن کرد، از یک شاخه به شاخه‌ی دیگر ورید، از بام خانه‌ای گذشت و کنار جویباری بر زمین نشست.
- ۳) آن راه نزدیک آن‌چنان دور به نظرش رسید که دنیا پیش چشمش تیره و تار شد. (از این‌که از لانه‌اش دور شده بود ترسید.)
- ۴) از وحشت دوری از لانه‌اش، بسیار ترسید و ناگهان در جایش باقی ماند. خستگی راه هم باعث شده بود که نتواند به سوی لانه‌اش برود و درمانده و ناتوان شده‌بود.
- ۵) درحالی که کاملاً ناتوان شده‌بود، از روی ناتوانی فریاد زد و صدای مادرش را از روز شاخه‌ای شنید که گفت:
- ۶) پروازکردن برای تو بسیار زود است و کاری مشکل است. از تو که تازه‌کار هستی، کسی انتظار زیادی ندارد.
- ۷) تو هنوز قدرت پروازکردن و پریدن در کوچه‌ها و بام‌ها را نداری. هنوز باید استراحت کنی و آرامش داشته باشی.
- ۸) تو اکنون باید به دنبال کسب هنر باشی و تجربه‌ی زندگی بیاموزی.
- ۹) تو باید یاد بگیری که اول جای پاهایت را محکم کنی (محکم و استوار قدم برداری) و نیرومند شوی تا پس از آن بتوانی روی واهایت بایستی (به خودت متکی شوی).
- ۱۰) من در اینجا مانند نگهبانی هستم و تو گنج من هستی که باید از تو مراقبت کنم. تو باید در آسایش باشی و من رنج بکشم تا بزرگ و قوی شوی.

- (۱۱) من به دام‌های بسیاری گرفتار شده‌ام و کودکان بارها پر و بالم را شکسته‌اند.
- (۱۲) گاهی از دیوار بر من سنگ می‌زدند و گاهی از در. گاهی سرپنجه‌ام زخمی و خونین شد و گاهی سرم.
- (۱۳) حتی یک لحظه آرامش و آسایش با من همراه و همدم نشد و همیشه در حال ترسیدن بودم. گاهی از گربه و گاهی از باز شکاری می‌ترسیدم.
- (۱۴) این آشوب‌ها و بلاهایی که برای من در زندگی پیش آمده‌است، به من درس زندگی و مقابله با آن‌ها را آموخته‌است.
- (۱۵) همان‌طور که اگر شاخه‌ی درختی ریشه و ساقه نداشته باشد، نمی‌تواند سرسبز و قوی شود، من و تو هم باید با هم باشیم؛ من تو را پند بدهم و تو به آن‌ها عمل کنی و در این راه سعی و تلاش کنی تا موفق شوی.